

لبنان

مقدمه ای برای فاجعه بزرگتر

حزب الله لبنان را سلول های نظامی وابسته به سپاه پاسداران در چارچوب یک سیاست جنگی به ماجراجویی کشاندند و این همان چیزی بود که امریکا و اسرائیل می خواستند.

آنچه در لبنان می گذرد مقدمه ایست بر فاجعه بزرگتری که در کمین ایران است. این عریان ترین و کوتاه ترین تفسیری است که می توان در باره بمباران گسترده لبنان ارائه داد و به همین دلیل و در کنار بیان فاجعه انسانی و ویرانی که بمباران لبنان به بار آورده، باید هنوز به آینده اندیشید و راه حلی برای جلوگیری از وقوع آن آینده پیدا کرد. آینده ای که از ۱۱ سپتامبر در نیویورک آغاز شد و راه توده ساعتی پس از آن، در اطلاعیه ای کوتاه، آن را "رایشناک قرن ۲۱" اعلام داشت. جهان به سمت نتایج حریق در رایشناک قرن ۲۱ می رود و این همان نکته بسیار مهمی است که حاکمیت جمهوری اسلامی هنوز از درک آن ناتوان است. گرچه در بدنه همین حاکمیت و بویژه کسانی که زیر تیغ حاکمیت کنونی قرار دارند، درک ۱۱ سپتامبر قوی تر و منطبق تر با واقعیت است، تا تخیلات بیمارگونه، جاه طلبی های جنون آمیز و حادثه جوئی های ویران بر باد ده حاکمیت باصطلاح یکدست. حاکمیتی در خواب و خیال تبدیل شدن به قدرت اتمی و یک قطب رقیب برای جهان یک قطبی کنونی! اگر آنچه حسین شریعتمداری، نماینده رهبر در روزنامه کیهان در مصاحبه اخیر خود با مجله نیوزویک، بعنوان دیدگاه های رهبر مطرح کرده واقعا همان باشد که او ادعا کرده است، قطب فاجعه در بیت رهبری است.^۱

بزرگترین خطای حاکمیت یکدست کوبیدن بر طبل جنگ بود و هست. این همان عرصه ایست که حادثه سازان ۱۱ سپتامبر خواهان آن بودند و هستند. در اولین سرمقاله راه توده که پس از اعلام رئیس جمهور شدن احمدی نژاد انتشار یافت، با صراحت نوشته شد که اکنون زمان آن رسیده است که عمیقا به این نکته بیاندیشیم که احمدی نژاد و آنها که او را به ریاست جمهوری رساندند، برای تحقق کدام اهداف چنین کردند. یعنی، این رئیس جمهور و کابینه نیمه نظامی او برای تحقق چه سیاستی بر سر کار آمده است. این که چگونه تقلب شد و یا اینکه چگونه می خواهند سرکوب داخلی را گسترش دهند مهم هست و باید هم به آن اندیشید، اما پیش از آن باید به آن سیاست استراتژیکی فکر کرد که این تقلب، سرکوب سیاسی و کابینه نظامی- امنیتی در خدمت آنست. به همینگونه، در ارتباط با فعالیت های اتمی در ایران نیز راه توده با اعتقاد کامل نوشت که این فعالیت نیز نمی تواند جدا از آن استراتژی باشد که دولت یکدست حاصل آنست. در سرمقاله شماره ۸۰ راه توده که لینک آن را در پایان همین سرمقاله^۲ می آوریم نیز، پیش از آغاز تهاجم به لبنان و در واقع گشوده شدن جبهه جنگ با ایران از سنگر لبنان نوشتیم، که نبرد میان دو سیاست "اصلاحات و حفظ کشور" و "نظامی

¹ -

گری برای رهبری جهان اسلام" سرانجام سیاست دوم، پس از ۸ سال مقابله با جنبش اصلاحات پیروز شد و قدرت را بدست گرفت.

بنابراین، جنگ لبنان اگر برای عده ای غافلگیر کننده بود، بلکه قابل پیش بینی نیز بود. این سیاست، حزب الله لبنان را نیز به کام خود کشید. تشکلی که ماهیتی بسیار متفاوت با حزب الله سرکوبگر جمهوری اسلامی بعنوان خودی ترین نیروی حاکمیت یکدست داشت. همکاری حزب الله لبنان در یک جبهه با همه نیروهای ملی و حتی چپ و دگراندیش لبنان، فعالیت های مردمی و توده ای آن در میان مردم فقیر جنوب لبنان، پایبندی به تفکر سیاسی بجای ماجراجویی نظامی، درک و قبول واقعیات منطقه عربی خاورمیانه و همراهی با کشورهای منطقه حزب الله لبنان را مجهز به زرهی کرده بود که به آن هرگز به آسانی یورش های نوبتی و فصلی دولت های منطقه و بویژه اسرائیل به جنبش فلسطین نبود. حضور پارلمانی آنها نیز کمربند این زره بود. حاکمیت یکدستی که اکنون در ایران قدرت را بدست دارد، در همان سال های آخر مقابله با اصلاحات و زمینه سازی برای بازگشت مطلقه به حکومت و پیاده کردن سیاست نظامی- جنگی در ایران، حزب الله لبنان را نیز بتدریج بدنبال خود کشید. این به کام و دام کشیدن، تنها از طریق کمک های مالی ممکن نشد، بلکه نفوذ روزنه های سازمانی حزب الله لبنان نیز این امکان را فراهم ساخت. تشکل های پراکنده حزب الله لبنان که بصورت سلولی سازمان یافته اند، به سپاه پاسداران و شورای تبلیغات اسلامی جمهوری اسلامی امکان داد تا شماری از همین سلول های مستقل را به خدمت گرفته و حتی از روی سر رهبر حزب الله لبنان آنها را به واحدهای نظامی تابع فرامین خود در تهران تبدیل کند. بدین ترتیب است که رهبر جمهوری اسلامی از تهران برای حزب الله لبنان فرمان صادر می کند و یا فرماندهان سپاه در مصاحبه های خود برای آن تعیین تکلیف می کنند. سیستم ایجاد پایگاه های پرتاب موشک در محلات مسکونی و یا برخی بلندی های مشرف به شهرها در لبنان، همان شیوه ایست که در اطراف تهران، اصفهان، یزد و... بعنوان مراکز اتمی پیاده شده است.

هدف از این سیستم ایجاد هزینه انسانی برای حمله به ایران و برانگیختن افکار عمومی جهان است، اما دیدیم که ۱۱ سپتامبر، مانند آتش زندگان رایشتاک آلمان برای روی کار آمدن فاشیسم و آغاز جنگ دوم جهانی به آنچه نمی اندیشند قربانیان جنگی و افکار عمومی است. این درست همان جمله ایست که ۱۵ روز پیش از حمله اسرائیل به لبنان از دهان جورج بوش در یک مصاحبه کوتاه از درون کاخ سفید بیرون آمد. او در پاسخ به این نکته مطرح شده توسط خبرنگاران که "حمایت افکار عمومی امریکا از شما کم شده است"، با صراحت کامل گفت: "من به آینده می اندیشم، به افکار عمومی کنونی کاری ندارم. آیندگان قضاوت خواهند کرد."

همین اشارات به واقعیاتی که در برابر دیدگان ماست، برای نگرانی از آینده ای که در انتظار ایران است کافی نیست؟ لبنان به بهانه موشک های غیر اتمی حزب الله بمباران می شود، برای نابودی موشک های احتمالا اتمی ایران، حادثه مخوف تر از آن نخواهد بود که اکنون در لبنان در برابر ماست؟

عده ای تصور کرده اند امریکا از آسمان یک تور نظامی انداخته و حاکمیت کنونی را در آن اسیر کرده و به آسمان می برد و کار تمام می شود. این یک خوش خیالی است و همین خوش خیالی توان مقابله با سیاست جنگی حاکمیت و حتی فشار داخلی با تجهیز افکار عمومی برای به زیر کشیدن دولت نظامی و یکدست و تابع سیاست جنگی- اتمی را کم کرده است.

در حالی که مخالفت با سیاست جنگی حاکمیت و حتی بیان واقعیات بالا در باره حزب الله لبنان که بسیار بعید بنظر می رسد بتواند به موقعیت گذشته خود در جنوب لبنان و یا در حاکمیت لبنان باز گردد، عملا پرتوان تر از آن تور فرضی امریکائی است که به ویرانی ایران و تصاحب مناطق نفتی آن بسیار بیشتر از سرانجام حاکمیت و مردم ایران می اندیشد.

به همین دلیل است که در تمام یکسال گذشته که دولت یکدست در ایران تشکیل شده، ما بی وقفه از ضرورت شعار صلح و مقابله با جنگ سخن گفته ایم. چنین جبهه و کارزار ملی علیه سیاست جنگی حاکم، می تواند و باید بتواند دولت ماجراجوی کنونی را به زیر کشیده و در گام نخست دولتی را بر سر کار آورد که پیش از جنگ، به صلح بیاندیشد. نه نجات ایران و نه رهائی از چنگال حکومت یکدست، با سیاست جنگی ممکن نیست و شکست فاجعه بار آن را باید امروز و در آینه لبنان دید. آنچه ایران را نجات می دهد نه توپ و تانک و موشک و حتی موشک اتمی، بلکه یک جنبش ملی است و این جنبش ملی نیز ممکن نخواهد شد مگر با سپرده شدن سکان هدایت کشور بدست برگزیدگان این جنبش.
